

تحلیل جامعه‌شناختی چگونگی انجام تکالیف شهروندی در بین شهروندان تهرانی

دکتر محمدحسین پناهی^۱

استاد جامعه‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبائی.

احمد غیاثوند^۲

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی،

دانشگاه علامه طباطبائی.

(تاریخ دریافت ۱۳۸۹/۳/۲۵، تاریخ پذیرش ۱۳۹۰/۱۰/۶)

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان انجام تکالیف شهروندی انجام گرفته است. تکالیف شهروندی مجموعه‌ای از تمایلات کنشی و احساسی پیرامون مسئولیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، مدنی است که از افراد در یک جامعه مدرن انتظار می‌رود به آنها ملزم و آنها مقید باشند. به لحاظ روش‌شناسی، این پژوهش به روش پیمایش در بین کلیه شهروندان ۱۸ سال به بالای شهر تهران صورت گرفته است. حجم نمونه تحقیق ۶۰۰ نفر و شیوه نمونه‌گیری چند مرحله‌ای بوده است. پس از تهیه پرسشنامه، اعتبار و پایایی آن بررسی شده و داده‌های لازم جهت سنجش متغیرها از طریق مصاحبه جمع‌آوری شد. یافته‌های حاصل نشان می‌دهد میانگین میزان انجام تکالیف سیاسی برابر با ۳/۱۳، تکالیف اجتماعی ۳/۸۴ و تکالیف مدنی ۴/۰۲ از ۵ است و در مجموع نمره کل انجام تکالیف شهروندی برابر با ۳/۶۷ از ۵ است. در واقع، میانگین واقعی شاخص تکالیف شهروندی و ابعاد آن بیش از میانگین نظری است. بخشی از این تعهدات و وظایف به وضعیت دینی بودن جامعه و رابطه شهروندی با سیاست برمی‌گردد.

کلید واژه‌ها: شهروندی، تکالیف شهروندی، تکالیف سیاسی، تکالیف مدنی، تکالیف اجتماعی، گفت‌وگو اجتماع‌گرایی.

۱. آدرس الکترونیکی: mhpanahi@yahoo.com

۲. آدرس الکترونیکی: ah.ghyasvand@gmail.com

۱- بیان مسأله

در طول تاریخ، جوامع مختلفی در مسیر پیشرفت مدنی و سیاسی گام برداشته‌اند، به نحوی که با شکل‌گیری دولت‌های سرزمینی، از بطن حکومت‌های محلی، تولد مفهوم حاکمیت ملی به منزله یکی از مهم‌ترین پیامدهای مدرنیته رخ تابانید. در واقع در چارچوب ملت - دولت‌ها بود که افراد در جایگاه شهروند، از حقوق و تکالیف شهروندی برخوردار شدند. بدین سان عضویت افراد در جوامع دموکراتیک مدرن، با موقعیت شهروندی آنان مشخص می‌شود؛ چرا که دولت مدرن نیازمند مشارکت کلیه اعضای خود است و همه باید بدان تعلق داشته باشند.

امروزه در بیشتر موارد شهروندی نه تنها بر عضویت در بعضی از گروه‌ها دلالت دارد؛ بلکه به منزله معیار خاصی برای رفتار مناسب افراد استفاده می‌شود. این معنا بیانگر ادغام مفهوم جمهوری مشارکتی با رفتار عمومی شهروندی برای اشاره به عضویت در هر یک از گروه‌های انسانی متنوع است (Smith, 2003: 106). بنابراین در جوامع امروزی، مفهوم شهروندی معنایی بیش از عضویت در یک جامعه پیدا کرده است؛ به نحوی که تبدیل شدن به یک شهروند مؤثر و کارآمد، مستلزم پیگیری حقوق شهروندی و نیز انجام تکالیف شهروندی است. مسأله اساسی این است که هم از لحاظ نظام‌های اجتماعی و هم از نظر شهروندان، توجه به دو بعد حقوق و تکالیف شهروندی به یک اندازه نیست.

به تعبیری نیز می‌توان گفت شهروندی هم عنصری منفعل و هم عنصری فعال دارد. وجه انفعالی شهروندی همان است که هابرماس «عضویت دریافت شده» (received membership) می‌نامد. در این معنا، شهروند از وضعیت حقوق تعریف شده‌ای برخوردار است و مشارکت چندانی در نهادها، روابط و رویه‌هایی که تضمین‌کننده ثبات آن وضعیت است، ندارد. وجه فعال شهروندی از دیدگاه هابرماس «عضویت کسب شده» (achieved membership) است. در این معنا، شهروندی مستلزم مشارکت فعال و جذب شده فرد در جامعه‌ای است که هویت او را می‌سازد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

توماس جانوسکی و برین گرن در تعریف نسبتاً جامعی از شهروندی عبارت است از بیان می‌دارند که «شهروندی عضویت فعال یا منفعل افراد در ملت - دولت (nation - state) با حقوق و تکالیف شمول‌گرایانه (universalistic) معین که در یک سطح مشخصی از

برابری است (Janoski, 1998: 8-11). هر یک از جنبه‌های این تعریف، نیازمند بحث است؛ به‌ویژه از آنجا که می‌تواند هم در سطح فردی و هم در سطح ملی به کار رود (Janoski & Gran, 2002: 13-20). رکس مارتین بیان می‌کند که در نظام دموکراتیک، حقوق همیشه متضمن وظایف است، یا پیوسته در ارتباط تنگاتنگی با آن قرار دارد؛ و حقوق می‌باید با استفاده از تکالیف و با پشتیبانی دولت، توسعه یابد و حفاظت شود: 1993, (Martin 82-4 و Singer, 1993: 5). البته در سال‌های اخیر، واکنش شدیدی بر ضد غفلت لیبرال‌ها از مسؤولیت‌های شهروندی صورت گرفته است. سوسیال محافظه‌کاران (social conservatives) و اجتماع‌گرایان مخصوصاً به‌گونه‌ای قوی استدلال نموده‌اند که تمرکز بیش از حد بر حقوق برای کیفیت شهروندی مضر است (فالكس، ۱۳۸۱: ۹۴). تعهد شهروندان یکی از عناصر محوری هر گونه اجتماعی است. از لحاظ مفهومی، در هر مورد از تعهد، نوعی ضرورت وجود دارد؛ ضرورت برای کسی در انجام چیزی (چلبی، ۱۳۷۵: ۷۰). جانویتز معتقد است که جامعه‌شناسی شهروندی گرفتار نوعی عدم تعادل بین حقوق و مسؤولیت‌های شهروندی است. یک تأکید طولانی مدت بر حقوق شهروندی وجود دارد؛ بی‌آنکه به‌طور همزمان بر مسؤولیت‌های شهروندی تأکید شود. به نظر او مسؤولیت‌های شهروندی با پیشرفت صنعتی شدن اهمیت بیشتری پیدا کرده است. او در ادامه با تأکید بر مسؤولیت‌ها، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا نهادهایی اجتماعی وجود دارد که وظایف و تعهدات شهروندی را عملی سازد؟ شهروندی مناسب شامل تعادلی بین حقوق و تعهدات است و این امکان را به شهروندان می‌دهد که هم حاکمیت داشته باشند و هم تحت حاکمیت باشند (Janowitz, 1994: 42-4).

بر این اساس، با توجه به تلقی شهروندی به منزله یک شأن و موقعیت اجتماعی، که هم صاحب حقوق شهروندی و هم دارای تکالیف شهروندی برای مشارکت در امور اجتماعی و تصمیمات سیاسی است، در این مقاله به توصیف چگونگی انجام تکالیف شهروندی در بین شهروندان تهران و بعضی از عوامل مؤثر بر آن می‌پردازیم. به عبارت دیگر، سؤال اصلی این است که در فضای کنونی جامعه ما شهروندان تا چه اندازه به انجام تکالیف شهروندی مشخص و رسمی مقید هستند و شهروند خوب تلقی می‌گردند؟ اهمیت این امر بیشتر بدین سبب است که در هر جامعه‌ای نظام‌های سیاسی بیشتر به دنبال طلب انجام

تکالیف شهروندی از افراد هستند و کمتر به پیگیری‌های افراد پیرامون حقوق و منزلت‌های قانونی‌شان رغبت نشان می‌دهند. جانوسکی نیز در باب اهمیت تعهدات شهروندی می‌گوید که می‌توان تصور جامعه‌ای را داشت که در آن به حقوق شهروندی چندان اهمیت داده نمی‌شود؛ اما نمی‌توان جامعه‌ای را تصور کرد که در آن تعهدات به فراموشی سپرده شده‌اند (Janoski & Gran, 2002: 13-20). بنابراین دو سؤال اساسی این مطالعه عبارت است از:

۱- در بین شهروندان تهرانی میزان انجام تکالیف شهروندی و ابعاد مختلف آن به چه میزان است؟

۲- تا چه حد بین ویژگی‌های فردی پاسخگویان با میزان انجام تکالیف شهروندی رابطه وجود دارد؟

۲- مبانی نظری

محققان و نظریه‌پردازان مختلف ابعاد گوناگونی را برای شهروندی در نظر گرفته‌اند. این امر متأثر از رویکردها و سنت‌هایی است که در قبال موضوع و ماهیت شهروندی در نظر داشته‌اند. تا دهه ۱۹۸۰ اندیشه‌های لیبرالی کاملاً بر نظریه‌های سیاسی تسلط داشت، و اولویت به منافع افراد داده می‌شد. اما در دهه ۱۹۸۰ در واکنش به لیبرالیسم، اندیشه‌های اجتماع‌گرایان رشد و نمو پیدا کرد (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۲۹). در واقع لیبرالیسم، شهروندی را به عنوان شأنی در نظر می‌گیرد که قبل از هر چیزی دارای حقوق فردی خاصی است (Heater, 1990 & Oldfield, 1990).

اجتماع‌گرایی یا جامعه‌گرایی^۱ (communitarianism) یکی از مهمترین جریان‌های فکری منتقد لیبرالیسم سیاسی حاکم بر دوره مدرن در غرب است که در اواخر قرن بیستم پا به عرصه قلمرو سیاسی گذاشته است. انتشار کتاب در پی فضیلت، اثر السدیرمک‌ایتنایر (Alasdair C. Mac Intyre) در سال ۱۹۸۱ و کتاب لیبرالیسم و محدودیت‌های عدالت، اثر مایکل سندل (Michael J. Sandel) در سال ۱۹۸۱ را می‌توان اعلان موجودیت این جریان تلقی کرد. چالز تیلور (Chael Taylor) و مایکل والزر (Michael Walzer) از دیگر متفکران این جریان فکری هستند.

۱. با توجه به ترجمه‌های متفاوت از مفهوم "communitarianism" از قبیل جامعه‌گرایی و جماعت‌گرایی و اجتماع‌گرایی، به نظر می‌رسد معادل اجتماع‌گرایی صحیح‌تر باشد و در این جا از آن استفاده شده است.

اجتماع‌گرایان به جای زندگی خوب، مفهوم خیر جمعی را مطرح می‌کنند که توافقی ضمنی بین افراد بر سر آن وجود دارد. آنها معتقدند که این مفهوم تعبیری دارد که به خوبی در چارچوب و قالب سنت‌ها و بافت‌های اجتماعی گروه‌ها قرار گرفته است. به اعتقاد آنها انتخاب و تعلق داشتن به جامعه‌ای خوب، مهم‌تر از حق انتخاب فردی است (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۳۰). در واقع اگر فرد موجودی اجتماعی است، اگر شهروندی به معنای هم‌آوازی با خیر جمعی تعریف شود و اگر دولت باید مظهر و حافظ این خیر باشد؛ پس شهروندی باید بر پایه وظایف و تعهدات شهروندی تعریف شود. این، لزوماً به معنای فراموش کردن حقوق نیست، بلکه نشانگر اهمیت بنیادی وظایف و تعهدات شهروندی است (فیتزپتریک، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

اجتماع‌گرایی نقطه مقابل لیبرالیسم است و تأکیدی قوی بر اجتماع (به عبارتی ملت یا جامعه) دارد. دغدغه اولیه بسیاری از نظریه‌های اجتماع‌گرایی عملکرد مفید افراد در قبال جامعه است. جامعه خوب از طریق حمایت متقابل و عمل گروهی ساخته می‌شود، نه از طریق انتخاب و آزادی افراد متمیزه و جدا از هم. در دیدگاه اجتماع‌گرایی مدرن، تکالیف افراد نسبت به جامعه اغلب بیشتر از حقوق آنان است؛ زیرا هدف اجتماع‌گرایان ساختن اجتماعی قوی مبتنی بر هویت مشترک، تقابل، استقلال، مشارکت و انسجام است (Selznick, 1992: 362-3). به نظر آنان لیبرالیسم بیش از حد، حقوق محور است (selznick, 1992: 376-8). در حالی که اجتماع‌گرایی در پی توجه به اهمیت تعهدات، ضمن سعی در تضمین حقوق فردی است. رابطه حقوق و تکالیف، مبتنی بر مبادله‌ای گسترده است؛ یعنی، از شهروندان ممکن است انتظار تعهدات کامل برود، بدون اینکه انتظار برگشت فوری داشته باشند. بنابراین، در اجتماع‌گرایی تأکید آشکاری بر روی تعهدات وجود دارد (Etzioni, 1991 & 1993; Galston, 1991; MacIntyre, 1981 & 1983; Putnam, 1993; Sandel, 1982, 1984 & 1996; Sullivan, 1983, 1989 & 1990).

فالكس بين وظايف و تكاليف شهروندی تمايز قائل می‌شود: وظايف (duties) را آن دسته از مسؤولیت‌ها می‌توان تلقی کرد که به وسیله قانون مقرر می‌شوند و برای عدم احترام فرد به آنها مجازات‌هایی تعیین می‌گردد. در مقابل، تکالیف یا تعهدات (obligations) را باید داوطلبانه و تجلی همبستگی و پیوند ذهنی فرد با دیگران دانست. نشانه سلامت یک

جامعه توانایی‌اش در اتکا بر تعهدات داوطلبانه، به جای وظایف تحمیلی، برای حفظ جامعه است (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۰۹). در حالت آرمانی، مسئولیت‌های شهروندی باید شکل تعهدات داوطلبانه (voluntary obligation) به خود بگیرد. اما تعهد در خلأ پرورش نمی‌یابد، بلکه محصول شرایط و بسترهای ساختاری آن است. بنابراین، این انتظار شدیداً غیرمنطقی است که همه شهروندان مسئولیت مشابه و برابری در قبال جامعه تقبل نمایند (فالکس، ۱۳۸۱: ۱۵۱).

جانوسکی، همانند مارشال، معتقد است باید تعادلی بین حقوق شهروندی و تکالیف شهروندی وجود داشته باشد. وی پرداخت مالیات، به دست آوردن آموزش‌های لازم و خدمت در نیروهای مسلح را به منزله تکالیف شهروندی ضروری می‌داند (Janoski, 1980: 1, 3-10). همان‌طور که «هلد» بیان می‌دارد، در طول تاریخ از دنیای باستان تا به امروز، تمام آشکال شهروندی دارای برخی ویژگی‌های مشترک بوده است. به نظر او «شهروندی مستلزم عضویت در اجتماع است و عضویت دلالت بر مشارکت اجتماعی دارد» (Held, 1989: 199). شهروندی مستلزم انجام اعمال، رعایت قواعد مجاز مشخص شده، و خودداری از انجام اعمال ممنوع در یک جمع است. بنابراین، شهروندی، برداشتی از بازیگری درست رفتار است. مثلاً شهروندان می‌توانند و باید رأی دهند، به وصول پرداخت‌های تأمین اجتماعی بپردازند، در صدد جستجوی یارانه‌های مسکن باشند، شروع به کسب و کار کنند، سبک زندگی‌شان را انتخاب کنند، به پرورش کودکان بپردازند که تبدیل به شهروندان خوب شوند (Jepperson et al, 1996 به نقل از Mc Neely, 1998:372). همچنین، شهروند بودن به صورت معمول، به معنای برخورداری از حق رأی و حق تصدی مناصب سیاسی، بهره‌مندی از برابری در برابر قانون و استحقاق بهره‌برداری از مزایا و خدمات مختلف حکومتی است. علاوه بر این، شهروند بودن مستلزم داشتن تعهداتی همانند پیروی از قانون، پرداخت مالیات و دفاع از کشور - در شرایط حاد - است (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲: ۳۶). از منظر جانوسکی تعهدات شهروندی ممکن است انواع مختلفی داشته باشد، از قبیل:

الف) تعهدات حمایتی (support obligations): شامل پرداختن مالیات، کمک کردن به صندوق‌های بیمه و کار مولد.

ب) تعهدات مراقبتی (caring obligations): شامل تعهد مراقبت نسبت به دیگران و

خود، حاوی تامین نیازهای شخصی (مانند دنبال کردن آموزش، شغل و مراقبت‌های پزشکی کافی)، احترام به حقوق دیگران، مراقبت از کودکان، مراقبت از خانواده توأم با مهرورزی.

پ) تعهدات خدماتی (service obligations): شامل اسم نویسی برای رأی دادن، مراقبت‌های بهداشتی سالمندان، داوطلب شدن برای آتش نشانی و خدمت به جوانان. ت) تعهدات حفاظتی (protection obligations): شامل خدمت در نیروهای مسلح، حفاظت از پلیس، انجام خدمت وظیفه عمومی برای حفاظت از کشور، مراقبت از زخمی‌ها، و فعالیت‌های اجتماعی دیگر؛ و به طور کلی حمایت از یکپارچگی نظام دموکراتیک از طریق خدمت، اعتراض و یا تظاهرات اجتماعی (Janoski, 1998: 54).

میشل والزر (Michael Walzer) در مقاله‌ای تحت عنوان «مدنیت و فضیلت مدنی در امریکای معاصر» بیان می‌دارد که یکی از شیوه‌ها برای قضاوت درباره شهروندی این است که ما از شهروند چه انتظاراتی داریم. وی متعاقباً لیستی از انتظارات را تشریح می‌کند: ۱- از شهروند انتظار میزانی از تعهد یا وفاداری می‌رود. ۲- از شهروند انتظار می‌رود که از کشورش دفاع کند، حتی اگر زندگی‌اش به خطر بیفتد. ۳- از شهروندان انتظار می‌رود که از قانون اطاعت کنند و آداب خاص هر رفتار را حفظ کنند. ۴- از شهروندان انتظار می‌رود همدیگر را تحمل کنند. ۵- از شهروندان انتظار می‌رود مشارکت فعالانه‌ای در زندگی سیاسی داشته باشند (Walzer, 1994: 177-183). همچنین در میان اندیشمندان مسلمان، استاد مطهری بر این نظر است که هم فرد حق دارد و هم جامعه؛ چرا که هر یک از آنها از واقعیتی خاص برخوردارند. به گمان او جامعه امر حقیقی است. جامعه فقط مجموعه‌ای از افراد نیست. جامعه مرکب حقیقی است که روح و حیات خاص خود را دارد. اسلام هم برای اجتماع حق قایل است؛ چون اجتماع امری اصیل و دارای حیات است (مطهری، مجموعه آثار: ۴۲۰). استاد مطهری، تقدم حق اجتماع بر فرد را از دیدگاه فلسفی مطرح می‌کند. به این بیان که چون مبنای حقوق، توجه طبیعت به غایت است و زندگی اجتماعی نیز از غایات طبیعت به شمار می‌رود، گاه لازم است که حق فرد در جهت حق جمع یا نوع از میان برود. حیات انسان به جامعه وابسته است. شرکت فرد در اجتماع و ارتباط سرنوشت وی با غایات جامعه به فرمان طبیعت است. تقدم مصالح جامعه بر مصالح فردی با توجه به

غایتی است که طبیعت دنبال می‌کند. چون مبنای حقوق، توجه طبیعت به غایت است و زندگی اجتماعی از غایات کمالیه طبیعت است، هر چه که در جهت کمال طبیعت باشد، حق است؛ هر چند مستلزم ابطال حق جزئی یک فرد باشد (مطهری، ۱۳۸۹: ۴۲۰).

در این مقاله از منظر گفتمان اجتماع‌گرایی به شهروندی اشاره گردیده است. پس تأکید اصلی آن بر روی «وظایف و تکالیف شهروندی» می‌باشد. البته جهت تدقیق و تبیین بیشتر موضوع به بررسی عوامل مختلف بر میزان انجام تکالیف شهروندی پرداخته‌ایم.

در واقع اصل مبنایی مارشال در مطالعه‌اش در خصوص شهروندی، مبتنی بر ضرورت وجود یک استاندارد حداقل اقتصادی و اجتماعی برای تضمین مشارکت سیاسی، در قالب حقوق و تکالیف سیاسی و اجتماعی افراد بود (کاستلز و دیویدسون، ۱۳۸۲). همچنین با جدی شدن روند جهانی شدن در چند دهه اخیر، مسأله شهروندی با جهانی شدن پیوند اساسی خورده است. در واقع، جهانی شدن را می‌توان از دیدگاه پروسه‌ای به مثابه یک روند طبیعی متکی بر تکنولوژی ارتباطات نیز تحلیل نمود و نیز با چشم‌انداز پروژه‌ای بررسی کرد (آلبرو، ۱۹۹۶). جریان پُرسه‌ای آن تابع سخت‌افزار جهانی شدن مثل وسایل ارتباط جمعی از راه دور، تلویزیون‌های جهانی و اینترنت که منشأ به وجود آمدن روند جبری و کنترل ناپذیر ارتباطات فراملی است، می‌باشد. این روند مفهوم زمان، مکان، دوری و نزدیکی و پروسه انجام یافتن تولیدات اقتصادی و فرهنگی را متحول کرده است (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۰). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که وجود و گسترش استفاده از رسانه‌های جمعی مختلف در سطح جوامع تاثیر بسیاری بر تلقی افراد نسبت به شهروندی دارد؛ زیرا فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را برای آنها فراهم می‌آورد.

براین اساس، فرضیه اصلی تحقیق عبارت است از: «به نظر می‌رسد بین ویژگی‌های فردی و اجتماعی پاسخگویان با میزان انجام تکالیف شهروندی در بین آنها رابطه معناداری وجود دارد». این فرضیه شامل ۶ فرضیه فرعی است که به بررسی رابطه آماری بین متغیرهای جنس، وضع تأهل، گروه سنی، تحصیلات، طبقه اجتماعی و میزان بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی داخلی و خارجی با میزان انجام تکالیف شهروندی می‌پردازد.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش پیمایش صورت گرفته است. جمعیت آماری این پژوهش را کلیه افراد ۱۸ سال به بالای شهر تهران در سال ۱۳۹۰ تشکیل می‌دهند که مطابق فرمول کوکران و با در نظر گرفتن اثر طرح حجم نمونه نهایی به ۶۰۰ نفر افزایش یافت. شیوه نمونه‌گیری این مطالعه، احتمالی و از نوع «نمونه‌گیری چندمرحله‌ای» (multi-stage sampling) است، به نحوی که داده‌های لازم با انتخاب تصادفی ۶۰ بلوک از کلیه مناطق ۲۲ گانه شهر تهران به دست آمده است. جهت جمع‌آوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه، پس از آزمون اولیه آن، استفاده شده است.

در این مطالعه، تکالیف شهروندی چنین تعریف شده است: مجموعه‌ای از تمایلات کنشی و احساسی مسؤولیت‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و قانونی که موجب وفاداری و التزام فرد نسبت به جمع می‌گردد، به گونه‌ای که باعث شود شهروند با انتظارات جامعه سازگار و تطابق یابد. به لحاظ عملیاتی تکالیف شهروندی در سه بعد مورد سنجش قرار گرفته است:

الف) تکالیف سیاسی: یعنی فرد علاوه بر داشتن حس عضویت و تعلق نسبت به یک جامعه سیاسی، در سطوح مختلف امور سیاسی مشارکت داشته باشد. برای سنجش این بعد، از معرف‌های شرکت در راهپیمایی‌های سیاسی، کاندیدای احراز مناصب سیاسی، میزان پیگیری رویدادهای سیاسی، اهمیت رأی دادن در انتخابات، شرکت در انتخابات و دفاع از کشور در زمان هجوم دشمن استفاده شده است.

ب) تکالیف اجتماعی: یعنی فرد مجموعه‌ای از تمایلات کنشی درباره تعهدات و مشارکت در امور مختلف اجتماع داشته باشد. برای سنجش این بعد از تکالیف، از معرف‌هایی از قبیل میزان مسؤولیت‌پذیری اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اخلاق حرفه‌ای و کاری شرکت در فعالیت‌های داوطلبانه استفاده کرده‌ایم.

پ) تکالیف مدنی: یعنی فرد قوانین و مقررات جامعه را رعایت کند و بدان احترام بگذارد. برای سنجش آن، از معرف‌های رعایت هنجارهای عبور و مرور، احترام به حقوق همسایگان، پرداخت مالیات و عوارض، احترام نسبت به قانون و مقررات اجتماعی و پیگیری امور از کانال قانونی استفاده شده است.

در این بررسی، با تأکید بر کوئن و مقیاس دانکن از سه متغیر میزان درآمد، منزلت شغلی و مقاطع تحصیلی افراد برای سنجش طبقه اجتماعی استفاده گردید. در این میان، برای سنجش استفاده از رسانه‌های داخلی از معرف‌های میزان استفاده از رادیو و تلویزیون داخلی و مطالعه نشریات و نیز برای سنجش استفاده از رسانه‌های خارجی، از معرف‌های میزان استفاده از اینترنت، ماهواره و رادیوی خارجی بهره گرفته‌ایم. در آخر، پس از تعاریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش، اعتبار صوری و سازه (از طریق آزمون تحلیل عامل) آن‌ها محاسبه و پایایی آن‌ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ (تکالیف شهروندی برابر با $\alpha = 0.77$) به دست آمده است.

۴- بحث و تحلیل

سیمای پاسخگویان

نتایج حاصل از جمع آوری داده‌ها نشان داد که ۵۲ درصد از پاسخگویان زن و ۴۸ درصد مرد بودند. همچنین ۷۱ درصد از پاسخگویان متأهل بودند و میانگین سن پاسخگویان برابر با ۳۸ سال بود. از لحاظ تحصیلی دارندگان مدرک دیپلم ۲۶ درصد نمونه بوده و بالاترین نسبت افراد را به خود اختصاص دادند و در مرتبه بعد، افراد دارای تحصیلات لیسانس با ۲۰ درصد قرار دارند. در نمونه مورد بررسی، نسبت شاغلین به غیر شاغلین ۳۹ درصد بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین درآمد شهروندان تهرانی برابر با ۷۲۵ هزار تومان و میانه آن برابر با ۶۰۰ هزار تومان است. با ترکیب مؤلفه‌های میزان درآمد، مقطع تحصیلی و رتبه شغلی، طبقه اجتماعی عینی پاسخگویان مشخص شد که حدود ۴۱ درصد آنان به طبقه متوسط، ۳۹ درصد به طبقه پایین و ۴ درصد به طبقه خیلی پایین، ۱۳ درصد طبقه بالا و ۳ درصد به طبقه خیلی بالا متعلق بودند.

میزان انجام تکالیف شهروندی

برای سنجش مفهوم تکالیف شهروندی سه مؤلفه تکالیف سیاسی، اجتماعی و مدنی را در نظر گرفتیم و با تدوین معرف‌های لازم برای هر مؤلفه در نهایت شاخص تکالیف شهروندی از طریق ۱۲ گویه مورد سنجش قرار گرفت. یافته‌های حاصل به شرح زیر است:

الف) تکالیف سیاسی: جدول شماره ۱ چگونگی انجام تکالیف سیاسی شهروندی را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱- توزیع پاسخگویان بر حسب معرف‌های تکالیف سیاسی شهروندی (n= ۵۸۰)

معرف‌ها	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
چنانچه به کشورمان حمله شود، چقدر وظیفه خود می‌دانید که به هر طریق که شده از آن دفاع کنید؟	۷	۹	۱۵	۳۳	۳۶	۱۰۰
شرکت در انتخابات چه قدر برای شما اهمیت دارد؟	۲۰	۱۳	۱۷	۲۴	۲۶	۱۰۰
در سال‌های گذشته چه قدر در راهپیمایی ۲۲ بهمن شرکت کرده‌اید؟	۴۶	۲۱	۱۶	۱۰	۷	۱۰۰

اگر به یافته‌های جدول فوق نگاهی بیندازیم، ملاحظه می‌شود که حدود نیمی از پاسخگویان در سال‌های گذشته در راهپیمایی ۲۲ بهمن اصلاً شرکت نکرده‌اند. همچنین برای نیمی از پاسخگویان شرکت در انتخابات سیاسی در سطح زیاد و خیلی زیاد اهمیت دارد. در بین پاسخگویان حدود ۷۰ درصد اظهار کرده‌اند که در صورت حمله به کشور تا حد زیادی حاضر به دفاع‌اند. توزیع فوق نشان می‌دهد که هرچه تکلیف شهروندی جدی‌تر شده است و از شرکت در راهپیمایی به شرکت در انتخابات و دفاع از کشور حرکت می‌کنیم؛ شهروندان تهرانی بیشتر خود را مکلف به انجام تکالیف شهروندی می‌دانند.

جدول شماره ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب شرکت در انتخابات گذشته

چه قدر در انتخابات مختلفی که تاکنون در کشور برگزار شده (ریاست جمهوری، مجلس و شوراها) شرکت کرده‌اید؟						
به سن رأی دادن نرسیده بودم	تا حالا اصلاً شرکت نکرده‌ام	به ندرت شرکت کرده‌ام	گاهی اوقات شرکت کرده‌ام	بیشتر اوقات شرکت کرده‌ام	همیشه شرکت کرده‌ام	جمع
۵	۱۲	۱۲	۱۳	۲۱	۳۷	۱۰۰

جدول فوق نشان می‌دهد که در عمل نیز ۵۸ درصد از پاسخگویان همیشه یا بیشتر اوقات در انتخابات گذشته کشور شرکت کرده‌اند. این یافته نشان می‌دهد که هماهنگی خوبی بین نگرش به تکالیف و انجام آن‌ها در بین شهروندان تهرانی وجود دارد. (ب) تکالیف مدنی: جدول شماره ۳ چگونگی انجام تکالیف مدنی به وسیله شهروندان تهرانی را نشان می‌دهد:

جدول ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب معرف‌های تکالیف مدنی (n= ۵۸۰)

معرف‌ها	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
در عبور و مرور خود چه قدر به هشدارهای پلیس راهنمایی و رانندگی (چه در جایگاه راننده و چه عابر) توجه می‌کنید؟	۲	۶	۱۳	۴۲	۳۷	۱۰۰
تا چه حد مالیات و عوارض مختلف را به موقع پرداخت می‌کنید؟ (یا دوست دارید به موقع پرداخت کنید؟)	۴	۷	۱۷	۴۰	۳۲	۱۰۰
معمولاً چهقدر به قانون و مقررات جامعه احترام می‌گذارید؟	۰/۵	۳	۱۴/۵	۴۶	۳۶	۱۰۰
چه قدر با این جمله موافقت می‌کنید: افراد و گروه‌ها بایستی خواسته‌های خود را از طریق مسیر قانونی دنبال کنند؟	۲	۶	۱۴	۴۵	۳۳	۱۰۰

چنانکه ارقام جدول فوق نشان می‌دهد، اکثریت بالای افراد جامعه به هنجارهای عبور و مرور (۷۹ درصد)، پرداخت به موقع مالیات و عوارض (۷۲ درصد)، احترام به قانون و مقررات (۸۲ درصد) و پیگیری خواسته‌ها از طریق مسیرهای قانونی (۷۸ درصد) نگرش مثبت زیاد یا خیلی زیاد داشته‌اند و در مقابل نسبت کمی بدان بی‌توجه‌اند. (پ) تکالیف اجتماعی: جدول شماره ۴ نگرش پاسخگویان را نسبت به تعدادی از تکالیف اجتماعی شهروندی نشان می‌دهد:

جدول ۴ - توزیع پاسخگویان بر حسب معرف‌های تکالیف اجتماعی شهروندی (n= ۵۵۵)

معرف‌ها	اصلاً	کم	تاحدودی	زیاد	خیلی زیاد	جمع
نسبت به نظافت و پاکیزگی شهر چه قدر احساس مسؤلیت می‌کنید؟	۰/۵	۳	۱۰/۵	۳۲	۵۵	۱۰۰
چنانچه برای کاهش آلودگی هوا لازم باشد از وسایل نقلیه عمومی، بیشتر استفاده کنید، چه قدر حاضر به این کار هستید؟	۷	۹	۱۵	۳۳	۳۶	۱۰۰
چنانچه برای پیشرفت کشور، نیاز باشد که هر ایرانی مدتی در مناطق محروم خدمت کند، چه قدر حاضر بدین کار هستید؟	۲۷	۱۵	۲۴	۱۹	۱۵	۱۰۰
تا چه حد سعی می‌کنید کار یا اموری را که به شما واگذار می‌شود، به نحو احسن انجام دهید؟	۰/۵	۳/۵	۸	۳۸	۵۰	۱۰۰

چنانکه ارقام مندرج در جدول فوق نشان می‌دهد، نسبت کسانی که در قبال نظافت و پاکیزگی شهر مسئول‌اند و انجام امور واگذار شده را در حد زیاد و خیلی زیاد انجام می‌دهند، ۸۷ درصد است که درصد بسیار بالایی است؛ اما در خصوص استفاده از وسایل نقلیه عمومی برای کاهش آلودگی هوا و به ویژه در زمینه خدمت در مناطق محروم کشور تعداد افراد به طور محسوسی کاهش می‌یابد، به طوری که تمایل زیاد و خیلی زیاد اولی ۶۹ درصد و دومی فقط ۳۴ درصد می‌گردد. در واقع نسبت کسانی که حاضر به خدمت در مناطق محروم هستند، کمتر از افرادی است که حاضر نیستند (۳۴ در برابر ۴۲ درصد). چنین به نظر می‌رسد که توجه به کیفیت زندگی کوتاه‌مدت برای شهروندان مهمتر از بلندمدت می‌باشد. پاسخ‌های داده شده به سؤال آخر درباره انجام امور محوله به نحو احسن با ۸۸ درصد نگرش مثبت زیاد و خیلی زیاد، با توجه به اوضاع جامعه، قدری اغراق آمیز به نظر می‌رسد.

سپس با ترکیب معرف‌های هریک از ابعاد شاخص مربوط ساخته شد، که نتیجه آن در جدول شماره ۵ دیده می‌شود:

جدول ۵- نحوه توزیع شاخص تکالیف شهروندی و ابعاد آن

تکالیف شهروندی	تکالیف مدنی	تکالیف اجتماعی	تکالیف سیاسی	میزان تکالیف
۱۷	۶/۵	۸	۲۴	نامقید (منفعل)
۴۳	۲۷/۵	۴۲	۳۹	تاحدودی
۴۰	۶۶	۵۰	۳۷	مقید (فعال)
۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	جمع
۳/۶۷	۴/۰۲	۳/۸۴	۳/۱۳	میانگین

یافته‌های به دست آمده پیرامون شاخص فرعی تکالیف سیاسی در جدول فوق نشان می‌دهد ۳۷ درصد پاسخگویان خود را مقید به انجام امور سیاسی اعلام کرده‌اند و در مقابل حدود یک پنجم از پاسخگویان وظایف شهروندی سیاسی خود را انجام نمی‌دهند که در دسته افراد منفعل (نامقید) جای می‌گیرند. در خصوص شاخص فرعی تکالیف مدنی، بررسی‌ها بیانگر آن است که اکثر افراد نمونه جزء کسانی‌اند که مقید به وظایف مدنی هستند و وظایف مدنی مشخص شده را رعایت می‌کنند. در ادامه با ترکیب گویه‌های تکالیف اجتماعی، شاخص مربوطه ساخته شد. چنانچه ملاحظه می‌گردد نیمی از مردم شهر تهران خود را مقید به تعهدات اجتماعی می‌دانند، و در مقابل حدود ۸ درصد خود را چندان به تعهدات اجتماعی متعهد نمی‌دانند.

در مجموع با ترکیب ۱۲ معرف مربوطه شاخص میزان انجام تکالیف شهروندی در بین مردم شهر تهران ساخته شد. یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که کمتر از یک پنجم مردم شهر تهران نسبت به وظایف و مسئولیت‌های اجتماعی، سیاسی و مدنی مشخص شده مقید نبوده در قبال آنها منفعل هستند. در مقابل حدود ۴۰ درصد مقید هستند و به انجام آنها می‌پردازند. بنابراین مشاهده می‌گردد که نسبت شهروندان فعال وظیفه‌شناس دو برابر شهروندان منفعل می‌باشد که وضعیت نسبتاً خوبی را نشان می‌دهد.

- تبیین میزان انجام تکالیف شهروندی با ویژگی‌های فردی

پس از توصیف یافته‌های تحقیق، با استفاده از آزمون t و تحلیل واریانس یک طرفه رابطه میزان انجام تکالیف شهروندی را با ویژگی‌های فردی پاسخگویان (شامل جنس، گروه

سنی، وضعیت تاهل و طبقه اجتماعی) بررسی کردیم که نتایج آن در جدول شماره ۶ دیده می‌شود:

جدول شماره ۶- میزان انجام تکالیف شهروندی بر حسب ویژگی‌های فردی مختلف

آزمون	میانگین	تعداد	ویژگی‌های فردی / تکالیف شهروندی	
$t=1/4$ $s=0/16$	۳/۷	۳۱۲	زن	جنس
	۳/۶	۲۸۸	مرد	
$t=5/2$ $s=0/000$	۳/۷	۴۲۲	متاهل	وضع تاهل
	۳/۴	۱۵۳	مجرد	
$F=12$ $s=0/000$	۳/۴	۱۹۰	۱۸ تا ۲۹ سال	گروه‌های سنی
	۳/۶	۱۷۴	۳۰ تا ۴۰ سال	
	۳/۸	۱۰۱	۴۱ تا ۵۰ سال	
	۳/۷	۴۸	۵۱ تا ۶۰ سال	
	۳/۹		۶۱ سال و بیشتر	
$F=0/07$ $s=0/99$	۳/۶	۲۰	خیلی پایین	طبقه اجتماعی
	۳/۶	۲۰۵	پایین	
	۳/۶	۲۱۴	متوسط	
	۳/۶	۶۷	بالا	
	۳/۶	۱۸	خیلی بالا	

نتایج حاصل از آزمون پارامتریک t دو نمونه مستقل درباره رابطه جنس با تکالیف شهروندی تفاوت چندانی را نشان نمی‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین نمرات زنان برابر با $3/7$ و میانگین مردان برابر با $3/6$ از 5 است ($t=1/4$ ؛ $s=0/16$). همچنین بررسی این رابطه بر حسب ابعاد سه گانه تکالیف شهروندی نیز هیچ رابطه‌ای را تأیید نمی‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت زنان و مردان تهرانی به یک اندازه به انجام تکالیف شهروندی توجه دارد. این یافته اگر درست باشد حایز اهمیت زیادی است، زیرا نگرشی را که ادعای توجه کمتر زنان به مسایل سیاسی و مدنی و اجتماعی دارد، نفی می‌کند و نشان می‌دهد که زنان تهرانی نیز همانند مردان به مسایل سیاسی و مدنی و اجتماعی کشور خود اهمیت می‌دهند.

رابطه آماری بین وضع تأهل با تکالیف شهروندی با استفاده از آزمون t دو نمونه مستقل تأیید شده است؛ زیرا میانگین انجام تکالیف شهروندی در بین متأهلان برابر با ۳/۷ و در بین مجردان برابر با ۳/۴ است ($t=5/2$ ؛ $S=0/000$). بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت در شهر تهران افراد متأهل بیشتر از مجردان به انجام تکالیف شهروندی مقیدند. به عبارت دیگر، تأهل سبب افزایش احساس مسئولیت اجتماعی افراد می‌گردد، که قابل انتظار است.

در خصوص تأثیر سن بر انجام تکالیف شهروندی، نتایج حاصل از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA) به خوبی نشان می‌دهد که با در نظر گرفتن دو گروه کمتر از ۴۰ سال و بیشتر از ۴۰ سال می‌توان نتیجه گرفت گروه نخست در قبال انجام تکالیف شهروندی منفعل و در مقابل، افراد بیش از ۴۰ سال فعال‌ترند. آزمون پس از معناداری شفه تفاوت میانگین افراد این دو گروه را تأیید نموده است. در واقع، میانگین‌های گروه‌های سنی در جدول فوق نشان می‌دهد که هرچه سن افراد افزایش یافته (به غیر از گروه ۵۱-۶۰ ساله) میزان انجام تکالیف شهروندی هم افزایش یافته است که می‌تواند نشانه افزایش تعهدات اجتماعی افراد با افزایش سن آنان باشد.

مطالعه رابطه طبقه اجتماعی افراد با انجام تکالیف شهروندی از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه رابطه معناداری را نشان نمی‌دهد. پس می‌توان نتیجه گرفت که بین طبقه اجتماعی با میزان انجام تکالیف شهروندی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد. به عبارتی، طبقات مختلف جامعه تقریباً به یک اندازه به انجام مسئولیت‌های مختلف شهروندی مقید هستند. این نیز می‌تواند یافته مهمی باشد، هم از این جهت که نشان می‌دهد کسانی که بیشترین بهره را از مزایای اجتماعی می‌برند، در حد لازم به انجام تکالیف شهروندی خود تن در نمی‌دهند، و هم از این جهت که طبقات پایین‌تر جامعه علی‌رغم اینکه کمتر از طبقات بالاتر از مزایای جامعه استفاده می‌کنند، همانند آنها خود را در قبال جامعه متعهد احساس می‌کنند.

بررسی دیگر پیرامون رابطه میزان استفاده از رسانه‌های جمعی داخلی با انجام تکالیف شهروندی رابطه معنادار مثبتی را نشان می‌دهد ($t=0/25$ ؛ $S=0/000$). این یافته مؤید این نکته است که هر چه شهروندان تهرانی از برنامه‌های تلویزیون و رادیوی ملی و نشریات داخلی بیشتر استفاده کنند، به مراتب میزان تقید آنها به انجام تکالیف مختلف شهروندی بیشتر می‌گردد و برعکس. در نقطه مقابل این یافته به مطالعه استفاده کنندگان از رسانه‌های

خارجی با تکالیف شهروندی می‌پردازیم. چنانکه ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد این رابطه معنادار و منفی است ($r = -0/24$ ؛ $S = 0/000$). پس می‌توان قضاوت نمود با بهره‌مندی افراد از رسانه‌هایی چون ماهواره، اینترنت و رادیوهای خارجی، از میزان انجام تکالیف شهروندی افراد کاسته می‌شود. پس می‌توان از نقش دوگانه رسانه‌های جمعی در توسعه و تضعیف شهروندی پرده برداشت.

با توجه به تأثیر رسانه‌های جمعی به منزله یکی از مؤلفه‌های جهانی شدن بر شهروندی، می‌توان بدین موضوع اشاره داشت که «جهانی شدن بستری برای طرح شهروندی مردم پسند (popular citizenship) و یا شهروندی آرمانی (ideal citizenship) شده است. شهروندی آرمانی، الگویی است که محل مقایسه دائمی شهروندان هر مرز و بوم می‌باشد. این مقایسه منشأ تقویت و یا تضعیف شهروندی می‌باشد» (عاملی، ۱۳۸۰: ۱۷۸).

۶- نتیجه‌گیری

در جامعه مدرن، افراد عضو اجتماع در جایگاه شهروند دارای حقوق شهروندی یکسانی هستند. از طرف دیگر و در قبال حقوق شهروندی که به موجب قانون و با حمایت نظام سیاسی جامعه‌شان از آن به صورتی برابر بهره‌مند می‌شوند، می‌باید تعهداتی را نیز تقبل کنند. از جمله این وظایف و تکالیف شهروندی، می‌توان به وظیفه مشارکت، پرداخت مالیات، اطاعت از قانون، ابراز وفاداری مشروط و حمایت مقید از نظام سیاسی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مانند اینها اشاره کرد.

در این مطالعه، میزان انجام تکالیف شهروندی بر حسب ابعاد سیاسی، اجتماعی و مدنی در بین مردم شهر تهران مورد مطالعه قرار گرفت. چنانکه بر حسب طیف ۱ تا ۵ به ابعاد مختلف تکالیف شهروندی توجه شود، میانگین تکالیف سیاسی برابر با ۳/۱۳، تکالیف اجتماعی برابر با ۳/۸۴ و تکالیف مدنی برابر با ۴/۰۲ است و در مجموع نمره کل تکالیف شهروندی برابر با ۳/۶۷ است. گرچه در این میان، میانگین نمره تکالیف سیاسی شهروندان کمتر از سایر ابعاد است، ولی چنانچه میانگین نظری نمرات را بر حسب طیف ۱ تا ۵ عدد ۳ در نظر بگیریم، میانگین واقعی شاخص تکالیف شهروندی و ابعاد آن بیش از میانگین نظری است. پس، میزان انجام تکالیف شهروندی در حد مطلوبی است. البته این میزان در

کنار میزان برخورداری از حقوق شهروندی وضعیت تحقق و توسعه شهروندی را در هر جامعه‌ای به خوبی نشان می‌دهد؛ گر چه انجام مطالعات مختلف بیانگر آن است که در جامعه ما میزان برخورداری از حقوق شهروندی، کمتر از انجام تکالیف شهروندی توسط شهروندان است (شیانی، ۱۳۸۲، نجاتی حسینی، ۱۳۸۳، یوسفی و عظیمی‌هاشمی، ۱۳۸۴ و غیاثوند، ۱۳۹۰).

در تحلیل این موضوع، می‌توان گفت که بخشی از این تعهدات و وظایف به وضعیت فرهنگی دینی جامعه و رابطه دین با شهروندی برمی‌گردد؛ زیرا مطابق رویکرد اجتماع‌گرایی فرد به صورت وضعیت‌مند و وابسته به اجتماع، فرهنگ و ارزش‌هاست. بسیاری از تکالیف شهروندی در قالب دستورهای دینی به مسلمان توصیه شده است، حتی در برخی مواقع پیوند دین با شهروندی موجب می‌شود که در بسیاری از موضع‌گیری‌ها (رسمی یا غیررسمی) تکالیف شهروندی با تکالیف شرعی و مذهبی پیوند زده شود. برای مثال در بیشتر موارد مشاهده می‌گردد که شرکت مردم در انتخابات، به منزله تکلیف شرعی تلقی می‌شود. بنابراین در جامعه ما دین با شهروندی رابطه محکمی دارد. گر چه در جوامع سکولار، شهروندی به عنوان عنصر قوی همبستگی اجتماعی عمل می‌کند، ولی در جامعه ایرا گفتمان عمومی شهروندی متأثر از نهادها و آموزه‌های دینی است و پیوند این دو، نمره انجام تکالیف شهروندی در مقایسه با برخورداری از حقوق برابر در بین شهروندان بالاست. جهت تأیید این مطلب، می‌توان به دوره جنگ و بسیج نیروها جهت دفاع از دشمن و مقاومت مردم یاد نمود که شکل خاصی از شهروندی سیاسی به صورت شهروندی انقلابی تا با همبستگی لازم از مرز و بوم دفاع گردد. همچنین تاثیرگذاری نهادهای مذهبی در قالب نهادی مدنی دینی بر تکالیف شهروندی در بیشتر مواقع محرز و قابل ردگیری است. گر چه در نقطه مقابل نیز برخی از اندیشمندان مذهبی و سیاسی در نظریاتشان در خصوص حق الناس و توجه به حقوق مردم از طرف حکومت به رابطه دین با حقوق شهروندی به نفع مردم دامن می‌زنند؛ ولی در این باره انجام تکالیف شهروندی، هنجارهای شهروندی رسمی از قوت لازم برخوردار است.

کتابنامه

- پرچی، داود (۱۳۷۴) *تعهد اجتماعی جوانان و عوامل مؤثر بر آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش اجتماعی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- پللو، روبر (۱۳۷۰) *شهروند و دولت*، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶) *جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان*، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- توسلی، حسین (۱۳۸۵) «مقدمه» کتاب *جامعه‌گرایان و نقد لیبرالیسم*: گزیده اندیشه‌های سندل، مک اینتایر، تیلور و والزر، ترجمه جمعی از مترجمان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نشر نی.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱) «تحلیل جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۳، ص ۶۰-۸۰.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲) «وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران»، رساله دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبایی.
- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۰) «تعامل جهانی شدن، شهروندی و دین»، *مجله نامه علوم اجتماعی*، شماره پاییز و زمستان، صص ۲۰۰-۱۶۷.
- غیاثوند، احمد (۱۳۹۰) «گرایش به شهروندی سیاسی و عوامل مؤثر بر آن»، رساله مقطع دکتری رشته جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- فاطمی‌نیا، سیاوش (۱۳۸۶) «عوامل مؤثر بر تعهدات شهروندی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش اجتماعی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- فالکس، کیث (۱۳۸۱) *شهروندی*، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱) *نظریه رفاه؛ سیاست اجتماعی چیست؟*، ترجمه هرمز همایون پور، تهران: انتشارات مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- کاستلز، استفن و آلیستر دیویدسون (۱۳۸۲) *شهروندی و مهاجرت؛ جهانی شدن و سیاست تعلق*، ترجمه فرامرز تقی‌لو، تهران: ناشر پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- لیستر، راث (۱۳۸۸) مقاله «شهروندی و جنسیت» در کتاب *راهنمای جامعه‌شناسی سیاسی*، جلد دوم، مترجمان محمد خضری، فرامرز تقی‌لو و فرزاد پورسعید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹) *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، قم: انتشارات صدرا.
- نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۳) «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، رساله مقطع دکتری جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- یوسفی، علی و مژگان عظیمی هاشمی (۱۳۸۷) «احساس شهروندی در مراکز استان‌های ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم، شماره ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۷، صص ۳-۲۳.

- Marshall, T. H (1964) *Citizenship and Social Class*, in T. H. Marshall, *Class, Citizenship and Social Development: Essays by T. H, Marshall*; (Garden City, NY: Doubleday).
- Oliver, D Heater, D (1994) *The Foundation Of Citizenship*. New York Harvester Wheatsheaf.
- Habermas, J. (1994) *Citizenship and National Identity*, in B. Van Steenberg (ed). *The Condition of Citizenship*. London: Sage, PP: 20-35.
- Heater, Derek (1999) *What is Citizenship?* Cambridge: Polity Press.
- Held, David (1989) 'Citizenship and Autonomy,' in David Held , ed. and John Thompson , ed. , *Social Theory of Modern Societies* . Cambridge: Cambridge University Press, pp. 162-84.
- Janoski ,Thomas & Brian Gran (2002) *Handbook of Citizenship Studies*, Landon, sage publications
- Janoski, Thomas (1998) *Citizenship and Civil Society* . Cambridge: Cambridge University Press
- Janoski, Thomas Glennie, Elizabeth (1995) 'The Roots of Citizenship: Explaining Naturalization in Advanced Industrialized Nations,' in Marco Martinello , (ed.), *Citizenship in the Economic Community* . Aldershot: Avebury, pp. 11-39.
- Janowitz, Morris. (1994) *Observation on the Sociology of Citizenship ; Critical Concepts*, First Published by Routledge, London and New York.
- Marshall, T. H. (1950) *Citizen and social class*, in *Citizenship and Social Class and other Essays*, Cambridge University press.
- Marshall, T.H. (1964) *Class, Citizenship and Social Development* . Chicago: University of Chicago Press
- Martin, Rex (1993) *A System of Rights* . Oxford: Clarendon Press.
- Mc Neely, Connie (1998) *Public Rights, Public Rules; Constituting Citizens in The World Polity and National Policy*, Garland Publishing, INC.
- Oldfield, Adrian (1990) *Citizenship and Community* . London: Routledge.
- Oldfield, Adrian. (1994) *Citizenship: An Unnatural Practice*, in *Book: Citizenship;Critical Concepts*, First Published by Routledge, London and New York.
- Oldfield, M. (1990) *Citizenship and Community: Civic Republicanism and the Modern World* . London: Routledge
- Oommen, T. (1997) *Citizenship, Nationality and Ethnicity*. Cambridge: Polity press.
- Selznick, Philip (1992) *The Moral Commonwealth* . Berkeley: University of California Press.
- Singer, Beth (1993) *Operative Rights* . Albany, NY: SUNY University Press.
- Smith David Horton and Ce Shen (2002) *The Roods Of Civil Society: A Model Of Voluntary Association Prevalence Applied To Data On Larger Contemporary Nations* *International Journal of Comparative Sociology*, Vol. 43, No. 2, 93-133.
- Smith, Rogers. "Modern Citizenship." *Handbook of Citizenship Studies*. 2003. SAGE Publications. 27 Apr. 2010
- Pocock, J.G.A. (1975) *The Machiavellian Moment: Florentine Political Thought and the Atlantic Republican Tradition* . Princeton: Princeton University Press.
- Taylor, Charles (1989) *Sources of the Self*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Turner & P. Hamilton, *Citizenship: Critical Concepts*, Landon: Routledge and New York.
- Turner, B. (1994) 'Outline of a theory of citizenship' , in B. Turner , ed. and P. Hamilton (eds), *Citizenship*. London: Routledge.
- Villa, D (2001) *Socratic Citizenship*, Princeton Univercity Pree, Princeton & Oxford.
- Walzer, M. (1994) *Spheres of Justice. A Defense of Pluralism and Equality*, New York: Basic Books.